

The Evolution of the Foundation for the Philosophy of Foreign Language Teaching and its relationship with the realization of educational policies in Iran (After the Victory of the Islamic Revolution)

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Ismail Haji Miragha ¹,
Mohammad Hossein Heidari ^{2*},
Seyed Hashem Golestani ³

How to cite this article

Ismail Haji Miragha, Mohammad Hossein Heidari, Jahanbakhsh Rahmani, The Evolution of the Foundation for the Philosophy of Foreign Language Teaching and its relationship with the realization of educational policies in Iran (After the Victory of the Islamic Revolution), *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2018;2(4):289-302.

1. PhD student in Philosophy of Education, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Isfahan, Iran.

2. Faculty, Vice Chancellor of the Faculty of Educational Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Isfahan, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: mhheidari1353@gmail.com

Article History

Received: 2018/09/01

Accepted: 2018/10/29

ePublished: 2018/12/22

ABSTRACT

Purpose: The general purpose of this study is to investigate the evolution of the foundation of the philosophy of foreign language teaching and its relationship with the implementation of educational policies in Iran (after the victory of the Islamic Revolution).

Materials and Methods: In the first part, referring to the books and texts available in libraries and digital resources and using the method of qualitative content analysis, the evolution of the Foundation for the Philosophy of Foreign Language Teaching in Iran after The victory of the Islamic Revolution was analyzed and the changes in the philosophy of foreign language teaching after the Islamic Revolution of Iran compared to previous periods were examined. Then its relationship with the Foundation for the Philosophy of Foreign Language Teaching with educational policies in Iran was studied.

Findings: The results of this study show that from the beginning of the Qajar period to the end of the Pahlavi dynasty, factors such as modernization policies, new global conditions, the growing global relations, increasing diplomacy and the establishment of numerous embassies around the world The field of trade and the development of Iran's economic relations with other parts of the world show the importance of teaching foreign languages and why it is included in the country's education.

Conclusion: According to the findings with the Islamic Revolution, the philosophy and goal of language teaching should have changed, which of course did. After the Islamic Revolution and the emergence of Imam Khomeini's ideas in the heart of the revolution, the long-term, medium-term and short-term goals of Iran's foreign policy changed, and as a result, the foundation of the philosophy of foreign language teaching changed.

Keywords: Philosophy and Foreign Language Education, General Education, Philosophy of Education, Philosophical Attitudes

سیر تحول در بنیاد فلسفه آموزش زبان های خارجی و ارتباط آن با تحقق سیاست های آموزشی در ایران (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)

کلیدواژه‌ها: فلسفه و آموزش زبان های خارجی، آموزش و پرورش عمومی، فلسفه آموزش و پرورش، نگرش های فلسفی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۷

*نویسنده مسئول: mhheidari1353@gmail.com

مقدمه

بحث فلسفه زبان های خارجی و آموزش آن در دوران های مختلف تاریخ کشور ایران همیشه مورد توجه بوده و از تاریخچه بسیار طونی برخوردار است؛ ایران از کهن ترین تمدن های تاریخ بشر به شمار می آید و به دلیل موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک ویژه (دارای کمترین فاصله با نقطه اتصال سه قاره مختلف آسیا، اروپا و افریقا)، برخورداری از موقعیت تجاری و ژئواکونومیک خاص (قرارگیری در مسیر دو جاده تاریخی ابریشم و ادویه و حضور در منطقه ای که بزرگترین ذخایر منابع انرژی جهان را دارد)، بویایی و دیرینه سالی فرهنگ (تقابلها و تعامل های فرهنگی ایرانیان با مردمان لیدی، بابل، آشور، یونان، مصر، هند، روم و غیره در ایران باستان و همکاری ها و همآوردجویی های تمدنی آنان با اعراب، عثمانیان، مغولان و در این اواخر غربیان)، توانمندی سیاسی، نظامی و دفاعی حکومت های آن (ایران همواره از جمله کشورهای ابرقدرت یا دست کم در زمره قدرتهای برتر منطق های به شمار می آمده است) و بسیاری موارد دیگر، همواره توجه فرمانروایان و مردمان دیگر سرزمین ها را به خود جلب کرده است. نظر به این مهم، ایرانیان همواره با اقوام و ملل دیگر در ارتباط بوده و از این رو، برابر با اسناد و متون تاریخی به جا مانده از روزگاران دور تا به امروز می توان تا حدود زیادی گفت جزء زبان فارسی (باستان، میانه و دری)، به فراخور زمان، زبان های دیگر نیز در ایران کاربرد داشته اند (۱).

امروزه نیز گسترش وسیع تعداد دانشگاه ها، اسباب رشد زبان های خارجی را در ایران فراهم آورده؛ چرا که از طرفی دانشجویان تمام مقاطع و رشته های تحصیلی موظف به گذراندن ۲ الی ۵ واحد درسی تحت عنوان زبان عمومی و اختصاصی هستند و همچنین در دانشگاه ها در دوره های مختلف کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد، زبان های خارجی برگزار می شود. قراردادهای منعقد شده بین دانشگاه های ایران و برخی دانشگاه ها و مؤسسات خارجی هم در گسترش و توسعه بیش از پیش زبان های خارجی در ایران تا اندازه ای مؤثر بوده است. همچنین می توان به این نکته نیز توجه داشت که خو گرفتن ایرانیان با کامپیوتر و اینترنت و نیز گسترش و پیشرفت تکنولوژی ارتباطی نوین در آشنایی مردمان ایران زمین با زبان های خارجی به ویژه زبان انگلیسی، تأثیر بسزایی داشته است؛ چراکه استفاده از آن ها نیازمند آشنایی با زبان انگلیسی است. باید خاطر نشان کرد که توسعه چشم گیر ارتباطات تجاری در عصر حاضر نیز در گرایش ایرانیان به یادگیری زبان های خارجی نقش بسیار داشته است؛ زیرا ناگفته پیداست که انعقاد قراردادهای بازرگانی بین المللی مستلزم آگاهی به زبان های خارجی به ویژه زبان انگلیسی است (۲).

اسماعیل حاجی میرآقا^۱

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

محمد حسین حیدری^۲

هیئت علمی، معاون آموزشی دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

سید هاشم گلستانی^۳

دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

چکیده

هدف: هدف کلی از انجام این تحقیق، بررسی سیر تحول در بنیاد فلسفه آموزش زبان های خارجی و ارتباط آن با تحقق سیاست های آموزشی در ایران (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) است.

مواد و روش ها: در بخش نخست، با رجوع به کتاب ها و متن های در دسترس کتابخانه ها و منابع دیجیتال و با بهره گیری از روش تحلیل محتوی کیفی، سیر تحول در بنیاد فلسفه آموزش زبان های خارجی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی واکاوی شد و تغییراتی که فلسفه آموزش زبان های خارجی بعد از انقلاب اسلامی ایران نسبت به ادوار پیشین داشته است، بررسی گردید. و سپس ارتباط آن با بنیاد فلسفه آموزش زبان های خارجی با سیاست های آموزشی در ایران مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته ها: نتایج این پژوهش نشان می دهد از آغاز دوره قاجار تا پایان سلسله پهلوی عواملی چون سیاست های مدرن سازی، شرایط نوین جهانی، رشد بیش از پیش ارتباطات جهانی، توسعه روزافزون دیپلماسی و تشکیل سفارتخانه های متعدد در جای جای جهان، توسعه عرصه بازرگانی و توسعه مراودات اقتصادی ایران با نقاط دیگر جهان اهمیت آموزش زبان های خارجی و چرایی گنجاندن آن در آموزش و پرورش کشور را نشان می دهند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها با وقوع انقلاب اسلامی، فلسفه و هدف گذاری آموزش زبان نیز بایستی تغییر می کرد که البته کرد. پس از انقلاب اسلامی و ظهور اندیشه های حضرت امام در بطن انقلاب، اهداف بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت سیاست خارجی ایران تغییر کرد و در نتیجه بنیاد فلسفه آموزش زبان خارجی تغییر کرد.

دریافت که ماهیت و فلسفه نظام آموزشی عمومی ایران و عناصر بنیادین آن چیست؟

شکی نیست که گسترش زبان انگلیسی در سایه تلاشها و سیاست‌گذاری‌های کشورهای مرکز، تأمین‌کننده منافع و خواسته‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیک گفتمان غالب غرب است که در راستای همگون‌سازی جهانی فرهنگ در گام نخست به تضعیف زبان‌های ملی و محلی و نیز به نحوی هویت ملی و میراث‌های فرهنگی و اجتماعی می‌انجامد که از سویی به وابستگی کشورها در ابعاد مختلف دامن می‌زند و از سوی دیگر تأمین‌کننده منافع کشورهای مرکز است. جامعه ایران هم به عنوان یک نمونه بارز از یک جامعه که از لحاظ تفاوت‌ها با جوامع مرکز فاصله زیادی دارد، نمی‌تواند از آسیب‌ها و پیامدهای گسترش این زبان مصون باشد؛ اما از منظری دیگر، نیاز به این زبان در بخش‌های مختلف خود موضوعی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت (۱).

ناگفته پیداست که برنامه‌ریزی و مدیریت زبان به ویژه در مورد زبان خارجی که با همه منافع سیاسی و اقتصادی اش تهدیدی آشکار برای هویت و فرهنگ ملی کشور ایران تلقی می‌شود، از وظایف دولت است. ولی متأسفانه برنامه و سیاست مشخص و مدونی در خصوص چگونگی به کارگیری این زبان که در عین بهره‌گیری از مزایای آن در پی کاهش یا رفع تأثیرات فرهنگی و هویتی آن باشد، وجود ندارد. زبان چیزی است که باید به آن عشق ورزید و با آن زندگی کرد تا بتوان آن را به یک مهارت کاربردی و فراموش نشدنی مبدل ساخت. حال چگونه می‌توان انتظار داشت که مقوله - ای مهم با چنین ابعاد گسترده‌ای تنها در قالب آزمون‌های پایان دوره یا آزمون‌های بین المللی چون IELTS مورد سنجش قرار گیرد؟

مورد بعدی که در خصوص فلسفه آموزش زبان خارجی بسیار شایع است، جداسازی دو مقوله مکالمه زبان و گرامر زبان در فرایند آموزش زبان‌های خارجی است. متأسفانه با وجود اهمیت فراوانی که در نظام آموزشی زبان‌های خارجی در کشور ایران وجود دارد، همواره این موضوع را بیان کرده‌اند که اگر یک زبان آموز بخواهد زبان بیاموزد، حتماً با دو گزینه متفاوت روبه‌روست: مکالمه زبان و گرامر آن. مسئله‌ای که در اینجا به ذهن خطور می‌کند این است که این نوع تقسیم‌بندی در آغاز آموزش زبان خارجی، این ذهنیت را در زبان آموز ایجاد خواهد کرد که مؤلفه‌های یادگیری زبان در یکی از این دو گزینه خلاصه می‌شوند. بنابراین در اولین گام یادگیری زبان خارجی، وجود چنین ایده‌ای بسیار اشتباه است. کمبودهای ساعات آموزش و کمبودهای موجود در کلاس درس، از دیگر چالش‌های محتوایی است که درخصوص فلسفه آموزش زبان خارجی، کشور ایران با آن روبه‌روست. حال این سؤال وجود دارد که چرا با وجود سالها آموزش مستمر، نتیجه لازم به دست نمی‌آید؟ آیا نیاز به تغییر اساسی بنیاد فلسفه آموزشی در زمینه یادگیری زبان‌های خارجی است؟ بنابراین مسأله اصلی در پژوهش حاضر، مطالعه سیر تحول بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی و ارتباط آن با تحقق سیاست‌های آموزشی در

پیروزی انقلاب اسلامی، مطالبه تحول در بنیاد نظام آموزشی ایران را مطرح کرد. طرح‌های مختلفی از ماه‌های نخست اول پس از پیروزی انقلاب از سوی کارشناسان برای رفع اشکالات نظام آموزشی ارائه شد و رهبران انقلاب، اصلاح بنیادین نظام آموزشی را تأکید کردند (۳). در عرصه عمل نیز کوشش‌های بسیاری برای اصلاح و بهبود برنامه‌ها و شرایط نظام انجام شده است؛ اما همچنان دغدغه اسلامی کردن نظام آموزشی و اصلاح زیرساختی آن مورد تقاضای رهبران و نهادهای تصمیم‌گیرنده نظام جمهوری اسلامی است و تلاش چندین ساله برای تهیه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تصویب آن شاهد این مدعا است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در رابطه با فلسفه آموزش و پرورش بیان داشته‌اند که "مسئله آموزش و پرورش یک مسئله دائمی و همیشگی و در حقیقت قاعده نظام جمهوری اسلامی ایران است" و نیز می‌فرماید: "بهترین و برجسته‌ترین فکرها باید بنشینند برای آموزش و پرورش طراحی کنند؛ باید فلسفه آموزش و پرورش اسلامی واضح باشد و بر اساس این فلسفه، افق آینده آموزش و پرورش کشور روشن باشد؛ معلوم باشد ما دنبال چه هستیم و کجا می‌خواهیم برویم و بر اساس آن خط‌کشی بشود، برنامه‌ریزی بشود و راه‌ها مشخص بشود" (۴). طرح‌های اصلاحی مانند طرح تغییرات بنیادین نظام آموزشی و اصلاح نظام متوسطه بر اساس آن، طرح پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران و بالاخره طرح بسیار گسترده سند ملی به تبع سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی مصوب ۱۳۸۲/۰۸/۱۳ مؤید آن است که با وجود خواست و برخی تلاش‌ها برای تغییر، این تلاش‌ها کافی یا قرین به توفیق نبوده است. واقعیت آن است که «تغییر و تحول» در یک نظام آموزشی، مقوله‌ای متفاوت از ایجاد یک نظام آموزشی جدید است (۵). در مفهوم تغییر و تحول این نکته نهفته است که یک نظام واقعی وجود دارد و به دلایلی باید تغییر کند. این تغییر چه بسا باید از نوع بنیادین باشد؛ یعنی نظام متحول شود و از حالی به حال دیگر درآید. اما «ایجاد» یک نظام آموزشی جدید، مسوق به یک سابقه نیست و بلکه نظامی از عدم به وجود می‌آید. شاید علاقه افلاطون در کتاب «جمهور» و سپس تمایل افلاطون برای ایجاد مدینه فاضله‌اش (۶) را بتوان نمونه‌ای از این دست خواند. اما حتی افلاطون در ارائه مدینه فاضله، اصلاح شرایط جامعه آن روز یونان را کاملاً مورد توجه قرار می‌دهد و در واقع بدیلی ارائه می‌دهد که نظام آموزشی در آن نقش کلیدی دارد. واقعیت آن است که مرور گذشته نشان می‌دهد که آن چه به طور معمول اتفاق می‌افتد، تحول در نظام‌های آموزشی پیشین در جوامع است و نه تکوین یک نظام جدید آموزشی. بنابراین اولین قدم در ایجاد تحول در یک پدیده مانند نظام آموزشی، شناخت آن است. در عرصه فلسفه تعلیم و تربیت این شناخت، شناخت عمیق و ماهوی این پدیده می‌باشد. در فرآیند تحول در نظام آموزش و پرورش ایران نیز، قدم اول و یا یکی از اولین قدم‌ها باید شناخت ماهیت این نظام باشد (۷ و ۸). این موضوع درباره اصلاح نظام آموزشی عمومی ایران نیز موضوعیت دارد و در روند اصلاحات باید با شناخت بنیادین نظام آغاز کرد و

ایران بعد از انقلاب اسلامی و بررسی چالش‌ها و استلزامات موجود مرتبط با بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی است.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی:

- سیر تحول در بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی در تحقق سیاست‌های آموزشی در ایران بعد از انقلاب اسلامی به چه صورت بوده است؟

سؤالات اختصاصی:

(۱) بنیاد فلسفه آموزش زبان خارجی در تحقق سیاست‌های آموزشی در ایران بعد از انقلاب اسلامی نسبت به ادوار پیشین چه تغییری داشته است؟

(۲) ارتباط فلسفه آموزش زبان‌های خارجی با سیاست‌های آموزشی در ایران چگونه است؟

(۳) چالش‌های بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی در ایران پس از انقلاب اسلامی کدامند؟

(۴) بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی بعد از انقلاب اسلامی در ایران چه استلزامات جدیدی دارد؟

ادبیات و پیشینه نظری پژوهش

با کنکاش و کاوش در فهرست تحقیقات، مقالات، طرح‌های پژوهشی مرتبط با موضوع تحقیق مشخص شد که پژوهشگران مختلف، اعم از ایرانی و خارجی، به موضوع بنیاد فلسفه زبان‌های خارجی رایج و تحولات آن‌ها طی ادوار تاریخی و در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توجه نداشته‌اند؛ بنابراین با توجه به مطالعات و تحقیقات انجام شده، پژوهشگر کار تحقیقی مشابهی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر مشاهده نکرده است.

گشمردی طی مقاله‌ای با عنوان "مبانی نظری فراگیر محوری در روش‌های آموزش زبان خارجی"، به بررسی مبانی نظری فراگیرمحوری در روش‌های آموزش زبان خارجی پرداخته و درصدد پاسخ به این پرسش که چگونه علم آموزش زبان‌های خارجی از معلم محوری به فراگیرمحوری رسید، بود (۹). توصیه بر فراگیرمحوری در کلاس زبان خارجی، امری است که بر آن تأکید می‌شود، ولی شاید در عمل خیلی رعایت نشود. روش‌های آموزش زبان‌های خارجی در قرن بیستم کاملاً متأثر از روانشناسی، پداگوژی و آندراگوژی هستند. روان‌شناسی رفتارگرا (اسکینر) و زبان‌شناسی ساخت‌گرا مبانی نظری روش شنیداری-گفتاری بودند، به همین جهت فراگیر به تقلید سریع و خودکار از الگوهای معلم می‌پرداخت. در روش سمعی-بصری ساخت یکپارچه، با دادن اختیار به فراگیر در تولید جملات جدید، یک گام به فراگیرمحوری می‌توان نزدیک شد. نظریه خلاقیت زبانی و نظریه توانش و کنش زبانی چامسکی، به‌طور غیرمستقیم بر روش‌های آموزش زبان‌های خارجی تأثیر گذاشت. در روش ارتباطی، فراگیر در تولید کنش‌های گفتاری مختلف فعالیت دارد و در فرایند آموزش با معلم همکاری بیشتری می‌کند. در روش آموزش گروهی به اصول آندراگوژی در آموزش زبان خارجی توجه شده است و معلم به‌عنوان مشاور فراگیر بزرگسال در نظر گرفته می‌شود.

شمس و شمسایی کار تحقیقی مشترکی به نام "سیاست‌گذاری‌های زبان خارجی و ارتباط آن با هویت ملی" ارائه دادند. آن‌ها در این کار تحقیقی با استفاده از پرسشنامه‌هایی که بین معلمان انگلیسی توزیع کردند، به بررسی و ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های زبانی در ۱۵ سال اخیر پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های اعمال شده و برنامه‌های تدوین شده برای مدیریت فعالیت‌های مربوط به تدریس انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی در ایران در تمامی مراحل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی به یک اندازه موفق نبوده‌اند (۱۰). یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد گرچه پیشرفت‌های مطلوبی در زمینه تشریح زبان انگلیسی در ایران صورت گرفته است. فعالیت‌های انجام شده برای صورت‌بندی سیاست‌ها، پیاده‌سازی برنامه‌ها و ترویج این زبان در مدارس، دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات آموزشی از موفقیت‌چندانی برخوردار نبوده است.

پارمحمدی در مقاله‌ای با عنوان "نظری به برنامه‌ریزی زبان و مسائل زبان‌آموزی در ایران"، آموزش زبان خارجی را به عنوان وسیله تعلیم موضوعات درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به مذاقه گذاشته است. همچنین به صورت پراکنده مباحثی پیرامون نقش فرهنگ در یادگیری زبان خارجی در کتب و مقالات متعدد مورد توجه قرار گرفته است (۱۱). جوادی در پژوهشی با عنوان "مقایسه تطبیقی برنامه‌های درسی زبان انگلیسی در دو نظام رسمی و غیررسمی کشور به منظور ارائه یک الگو"، با بررسی ۵ آموزشگاه آزاد به توصیف وضعیت فعلی آموزش زبان انگلیسی در مدارس غیردولتی پرداخته است (۱۲). بر اساس یافته‌های این پژوهش، نظام‌های آموزش زبان در آموزشگاه‌های آزاد و در مدارس دولتی در همه ابعاد برنامه‌ریزی درسی با هم تفاوت دارند و در نهایت این تفاوت‌ها تعیین‌کننده موقعیت یکی و شکست دیگری است.

علوی مقدم و خیرآبادی، نیز در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی انتقادی برنامه درسی ملی در حوزه آموزش زبان‌های خارجی" از منظر انتقادی به محتوای سند برنامه درسی ملی در حوزه آموزش زبان‌های خارجی پرداخته و کوشیده‌اند به این پرسش پاسخ گویند که سند مذکور در بخش آموزش زبان خارجی (به‌طور خاص زبان انگلیسی) تا چه میزان محقق‌کننده اهداف کلان تعیین شده در اسناد فرادستی‌تر مانند سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، سند نقشه جامع علمی کشور و سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت می‌باشد و تحقق این اهداف مستلزم چه پیش نیازها و مقتضیاتی است. در انجام این تحقیق ابتدا بخش‌های مرتبط با موضوع آموزش زبان‌های خارجی در اسناد ذکر شده استخراج و سپس میزان انطباق برنامه درسی ملی در حوزه یادگیری زبان‌های خارجی از نگاهت نهایی (نگاشت چهارم) این برنامه با اسناد کلان و چالش‌های محتمل فراروی اجرای این بخش از سند به بحث گذاشته شد. نتایج نشان داد که برنامه درسی ملی در حوزه یادگیری زبان‌های خارجی کوشیده است اهداف تعیین شده در اسناد فرادستی را تا حد زیادی تأمین نماید (۱۳).

در سیاست‌گذاری آموزش زبان انگلیسی "انجام داد (۱۹). وی برنامه درسی و آموزشی مناسب، درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند آموزش و یادگیری، ایجاد محیط مناسب یادگیری، سهم کردن دبیران، مدیران و والدین در تصمیم‌گیری‌های مدرسه و کارایی دانش‌دبیران را از مهمترین عوامل رسیدن به اهداف تعیین شده زبان انگلیسی برشمرد. همچنین ایجاد فرصت برای یادگیری مهارت‌ها و دسترسی به برنامه‌های درسی و آموزشی را از عواملی دانست که در آموزش و یادگیری زبان انگلیسی مؤثرند.

بنابراین با عنایت به خلاء موجود در پیشینه پژوهش در زمینه بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی و ارتباط آن با تحقق سیاست‌های آموزشی در ایران، این پژوهش برآن است که این خلاء را با نگاهی تحلیلی به موضوع یادشده پر کند. در این مجال، تلاش بر این است که به این پرسش پاسخ داده شود که خاستگاه سیاست‌های آموزشی در ایران و مکتب‌های گوناگون فلسفی در قلمرو آموزش زبان خارجی چیست؛ یادآوری می‌شود که از دیدگاه آموزش زبان، کسب مهارت‌های زبانی، الزماً به معنای توانش زبان‌آموزان در تعامل با گویشوران زبان خارجی و به عبارت دقیق‌تر، موفقیت وی در رفع نیازهای خود در محیط زبان خارجی نیست؛ چراکه توانش علاوه بر دانش و مهارت‌های کسب شده در باب زبان خارجی، دانش و مهارت‌های دیگری را نیز اقتضا می‌کند که از نظر ماهیت، مقولاتی فرازبانی تلقی می‌شود. توانش برقراری ارتباط، توانش تعامل اجتماعی و نیز دانش مربوط به فرهنگ و جامعه زبان خارجی از جمله موارد مذکور به شمار می‌روند (۲۰). بنابراین پژوهش حاضر به نحوی انجام می‌شود که با تمام منافع سیاسی و اقتصادی، تهدیدی برای هویت و فرهنگ ملی ما تلقی نشود. در این راستا در پژوهش حاضر نگارنده بعد از بررسی سیر تحول تاریخی آموزش زبان‌های خارجی و تغییرات بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به ادوار پیشین مورد بررسی قرار داده و بر آن است تا با سیاست‌گذاری‌هایی کلان و فرازبانی و نیز تأثیر این سیاست‌گذاری‌ها برای ارائه برنامه‌ریزی‌هایی منجم و علمی درون‌زبانی مذاقه کند تا تحلیل و واکارایش، زمینه‌ساز آموزش و تعلیم کاربردی و مبتنی بر بافت زبان باشد.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش در این مطالعه از نظر ماهیت، کیفی و از نقطه نظر شیوه گردآوری اطلاعات، از نوع کتابخانه‌ای-اسنادی است که در تمام تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پایگاه‌های اطلاعاتی و موتورهای جستجوگر و وب سایت‌های معتبر و منابع چاپی و دیجیتالی کتابخانه‌های دانشگاهی داخل و خارج از کشور جهت دریافت آخرین تحقیقات انجام شده مرتبط در دنیا و همچنین منابع تئوریک به روز و منابع قابل استناد استفاده شد و با فیش‌برداری از منابع چاپی و دیجیتالی موجود در کتابخانه‌ها، مجلات، بانک‌های اطلاعاتی و کتاب‌های الکترونیک مرتبط با اهمیت دانستن زبان‌های خارجی و لزوم گنجاندن آن در آموزش و پرورش عمومی، استفاده شده است. روند انجام پژوهش

خیرآبادی و علوی‌مقدم در مقاله‌ای با عنوان "فرصت‌ها و چالش‌های فراوری آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزش رسمی ایران"، به کمک روش فراتحلیل پژوهش‌های پیشین انجام شده در یک دهه آخر درباره آموزش زبان‌های خارجی، به ویژه در نظام آموزش رسمی کشور، مشکلات و کاستی‌های تدریس زبان انگلیسی احصاء و اولویت‌بندی کرده و از طریق مصاحبه هدفمند، با گروهی از صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه، برای این چالش‌ها، راهکارهایی را ارائه داده‌اند. یافته‌های آنان نشان که رویکرد سنتی به آموزش زبان، ناکارآمدی‌های کتاب درسی و مواد آموزشی، کاستی‌های دوره‌های تربیت معلم و کمبود دبیران زبده و با انگیزه، فقدان سیاست‌گذاری کلان و عدم تعیین چشم‌انداز آموزشی، کمبود زمان تدریس درس زبان انگلیسی در نظام آموزش کشور، مهم‌ترین چالش‌های فراوری آموزش زبان در ایران است (۱۴).

می‌توان گفت که محققان خارجی هم درباره موضوع ما کار تحقیقی خاصی انجام ندادند. کارهای آن‌ها هم بیشتر حول اهمیت یادگیری زبان خارجی (دوم)، دلایل یادگیری زبان دوم و سن مناسب شروع آموزش آن می‌چرخد. بوخام^۱ در مقاله‌ای که در سال نوشت به اهمیت گنجاندن زبان در برنامه آموزشی مدارس پرداخت. همچنین به این که درس آموزش زبان در چه مقطعی باید در برنامه درسی گنجانده شود؛ نیز پرداخت (۱۵). وانگ^۲ در مقاله‌اش به این موضوع می‌پردازد که "چرا یادگیری زبان خارجی هنوز هم مهم است" (۱۶). او در این مقاله ۷ دلیل عمده این مهم را مورد بررسی قرار می‌دهد. یاشیما^۳ همکارانش^۴ تحقیقی در زمینه "عوامل مؤثر در یادگیری زبان انگلیسی" انجام داد. وی برنامه درسی و آموزشی مناسب، درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند آموزش و یادگیری، ایجاد محیط مناسب یادگیری، سهم کردن دبیران، مدیران و والدین در تصمیم‌گیری‌های مدرسه و کارایی دانش‌دبیران را از مهم‌ترین عوامل رسیدن به اهداف تعیین شده زبان انگلیسی برشمرد (۱۷). هم‌چنین ایجاد فرصت برای یادگیری مهارت‌ها و دسترسی به برنامه‌های درسی و آموزشی را از عواملی دانست که در آموزش و یادگیری زبان انگلیسی مؤثرند. ماسگارت و گاردنر^۴ در تحقیق خود با عنوان "نگرش، انگیزه و یادگیری زبان دوم" معتقد است چهار دسته از عوامل نظام آوایی و شنیداری بر فرایند یادگیری-یاددهی درس زبان تأثیر می‌گذارند: ۱- عوامل مربوط به گوینده: تعداد صحبت‌کنندگان، سرعت آنان و انواع لهجه‌ها؛ ۲- عوامل مربوط به شنونده: نقش یا سهم شنونده، سطح درک پاسخ، میزان علاقه شنونده نسبت به موضوع؛ ۳- محتوا (متن): سطح پیچیدگی ساختار اطلاعاتی، گرامری و واژگان؛ ۴- لوازم و پشتیبانی: در زمینه تصاویر، نمودارها و دیگر وسایل دیداری و شنیداری (۱۸). ارتیز^۵ نیز تحقیقی در زمینه "عوامل مؤثر

1. Bauckham
2. Wong
3. Yashima & etal
4. Masgaret & Gardner
5. Ortiz

اصلاحی مانند طرح تغییرات بنیادین نظام آموزشی و اصلاح نظام متوسطه بر اساس آن (۵)، طرح پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران و بالاخره طرح بسیار گسترده سند ملی به تبع سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در آفری ۱۴۰۴ هجری شمسی مصوب ۱۳۸۲/۰۸/۱۳ مؤید آن است که با وجود خواست و برخی تلاش‌ها برای تغییر، این تلاش‌ها کافی یا قرین به توفیق نبوده است. واقعیت آن است که «تغییر و تحول» در یک نظام آموزشی، مقوله‌ای متفاوت از ایجاد یک نظام آموزشی جدید است. در مفهوم تغییر و تحول این نکته نهفته است که یک نظام واقعی وجود دارد و به دلایلی باید تغییر کند. این تغییر چه یک نظام «ایجاد» بسا باید از نوع بنیادین باشد؛ یعنی نظام متحول شود و از حالی به حال دیگر درآید. اما آموزشی جدید، مسبوق به یک سابقه نیست و بلکه نظامی از عدم به وجود می‌آید. شاید علاقه افلاطون در کتاب «جمهور» و سپس تمایل افلوپین برای ایجاد مدینه فاضله‌اش را بتوان نمونه‌ای از این دست خواند. اما، حتی افلاطون در ارائه مدینه فاضله، اصلاح شرایط جامعه آن روز یونان را کاملاً مورد توجه قرار می‌دهد و در واقع بدیلی ارائه می‌دهد که نظام آموزشی در آن نقش کلیدی دارد. واقعیت آن است که مرور گذشته نشان می‌دهد که آنچه به طور معمول اتفاق می‌افتد، تحول در نظام‌های آموزشی پیشین در جوامع است و نه تکوین یک نظام جدید آموزشی. بنابراین، اولین قدم در ایجاد تحول در یک پدیده مانند نظام آموزشی، شناخت آن است. در عرصه فلسفه تعلیم و تربیت این شناخت، شناخت عمیق و ماهوی این پدیده می‌باشد. در فرآیند تحول در نظام آموزش و پرورش ایران نیز، قدم اول و با یکی از اولین قدم‌ها باید شناخت ماهیت این نظام باشد. این موضوع درباره اصلاح نظام آموزشی ایران نیز موضوعیت دارد و در روند اصلاحات باید با شناخت بنیادین نظام آغاز کرد و دریافت که ماهیت نظام آموزشی ایران و عناصر بنیادین آن چیست! (۲۱).

از طرفی در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به تغییرات عمده در سیاست‌های داخلی و خارجی دولت، طبعاً باید فلسفه آموزش زبان‌های خارجی در کشور تغییر می‌کرد که البته همین‌طور هم شد و می‌توان شاهد تغییراتی در بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود. بعد از پیروزی انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی اعزام دانشجو به اروپا آغاز شد. در اردیبهشت سال ۱۲۹۰ قانونی در مجلس تصویب شد که بر اساس آن وزارت معارف موظف شد که در همان سال سی نفر را برای دانش‌اندوزی روانه اروپا سازد؛ اما این قانون به دلایل مختلف اجرا نشد و در سال ۱۲۹۵ دولت، دانشجویان مقیم فرنگ را به میهن فراخواند. بازگشت دانش-آموزان فرنگ به ایران اسباب رواج زبان‌های اروپایی در ایران را فراهم آورد. از طرفی در دوران بعد از انقلاب مشروطه، روند ورود سفرای سیاسی غربی و مبلغان مذهبی گوناگون غرب، شتابی دوچندان گرفت. اینان در کنار تأسیس مراکز دینی، فرهنگی، درمانی و غیره اقدام به بنیان نهادن مدارس گوناگون در جای جای ایران کردند و در نتیجه توانستند زبان‌های غربی را در ایران رواج

به این صورت بود که نخست با مراجعه به منابع معتبر و مرتبط داخلی و خارجی در حوزه پژوهش و محورهای اساسی، به مفهوم کلیدواژه‌ها و مفاهیم بنیادی آن پرداخته شد. سپس از اسناد و مدارکی که در رابطه با اهمیت دانستن زبان خارجی و سیاست‌های آموزش مرتبط با آن (از طریق فیش برداری)، بودند به بررسی موضوع پرداخته شد.

فلسفه آموزش زبان خارجی

زبان خارجی به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای ارتباطی برای استفاده از منبع و مآخذ علمی و پژوهشی و بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، از اساسی‌ترین مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی در عصر حاضر است. توانایی مبادله اطلاعات و برقراری ارتباط با دیگران با هدف استفاده از دانش روز و توانایی برقراری ارتباط الکترونیکی و عادت به کار گروهی از ویژگی‌های انسان توسعه‌یافته در این دوره است. بنابراین در جهان امروز با پیشرفت روزافزون روابط بین‌الملل و ایجاد دهکده جهانی^۶، نیاز به یادگیری زبان خارجی برای برقراری ارتباط بیش از پیش احساس می‌شود (۲).

پندارهای حاکم بر گستره آموزش زبان خارجی، همانند دیگر گستره‌ها، ریشه در مبانی فلسفی دارند. خواستار تطابق فلسفه متناسب با دگرگونی‌ها و نوآوری‌های دنیای کنونی‌اند. برپایه اعتقاد فلاسفه، نقش فلسفه در آموزش زبان خارجی زمانی پررنگ می‌شود که به مدیریت نقش این نوآوری‌ها در گستره آموزش زبان خارجی بپردازد. شالوده گسترش زبان را نیز می‌توان در این اصل یافت که انسان از راه تجربه و تفکر به دانش دست یافته و با همین ابزار آموزش زبان دیگر را گسترش داده است. از طرفی ارتباط مبانی فلسفه و گستره آموزش زبان را می‌توان در زمینه‌های یادگیری مشارکتی، تأکید بر روش تدریس فعال، تهیه و تدوین مواد و مطالب آموزشی قبل از شروع فرایند آموزش، توجه به انگیزه درونی در یادگیری و انسجام ابعاد اجتماعی و عاطفی زبان-آموز مشاهده کرد (۱۰).

سیر تحول در بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مطالبه تحول در بنیاد نظام آموزشی ایران را مطرح شد. طرح‌های مختلفی از ماه‌های اول پس از پیروزی انقلاب از سوی کارشناسان برای رفع اشکالات نظام آموزشی ارائه شد و رهبران انقلاب، اصلاح بنیادین نظام آموزشی را تأکید کردند. در عرصه عمل نیز کوشش‌های بسیاری برای اصلاح و بهبود برنامه‌ها و شرایط نظام انجام شده است؛ اما همچنان دغدغه اسلامی کردن نظام آموزشی و اصلاح زیرساختی آن مورد تقاضای رهبران و نهادهای تصمیم‌گیرنده نظام جمهوری اسلامی است و تلاشی هشت ساله برای تهیه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تصویب آن شاهد این مدعاست. طرح‌های

6. Global Village

آموزشی ایران بخصوص آموزش زبان تغییر کرده است. با دقت به این اهداف، به آسانی و روشنی می‌توان دریافت که به جزء توجه و برنامه‌ریزی و تدوین سیاست و فلسفه مناسب در حوزه آموزش زبان، وصول به چنین اهدافی امکان‌پذیر نیست. آموزش زبان‌های خارجی در کشور ایران چه در سطح آموزش رسمی و چه در سطح آموزش‌های غیررسمی و آموزشگاهی، همواره از بی‌برنامگی و عدم وجود اسناد کلان و فرادستی رنج برده است. این موضوع عمدتاً در فقدان برنامه درسی ملی ریشه داشته و نبود چنین نقشه راهی سبب گردیده بود تا تدوین اسناد میانی از جمله برنامه درسی آموزشی زبان‌های خارجی توسط وزارت آموزش و پرورش نیز به تعویق بیفتد. با تصویب سند برنامه درسی ملی در اسفند ۱۳۹۰ یکی از حوزه‌های یازده‌گانه یادگیری به زبان‌های خارجی اختصاصی یافته است (۲۴). همگامی و حرکت در این راستا خود چرایی اهمیت دادن به آموزش زبان خارجی در کشور است. هر رسانه‌ای که قابلیت انتقال و جابجایی اطلاعات از یک نقطه به نقطه دیگر را داشته باشد و هدف آن برقراری ارتباط باشد، در قلمرو تکنولوژی ارتباطات قرار می‌گیرد. هدف این تکنولوژی اشاعه اطلاعات در میان مردم است. در عصر حاضر هم اطلاعات و ارتباطات عمده ترین معیار توسعه در یک کشور است. بنابراین می‌توان دریافت که بشر امروزی همچنان برای همگامی و همسویی با تکنولوژی‌های ارتباطی جهانی ناگزیر از دانستن زبان خارجی است. جامعه ایران نیز همواره در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد افزایش مراکز آموزش زبان دولتی و خصوصی بوده است. نظام آموزش و پرورش نباید از این عرصه عقب بماند. عقب نماندن از این آموزشگاه‌ها و اینکه آن‌ها نتوانند جای آموزش و پرورش را در این زمینه بگیرند از چرایی‌های است که باید در نظام آموزش و پرورش به امر آموزش زبان خارجی اهمیت بیشتری داده شود.

در نهایت با توجه به مطالب فوق‌الذکر می‌توان اذعان داشت که تغییر در بنیاد فلسفه آموزش زبان خارجی بعد از انقلاب اسلامی نسبت به ادوار پیشین را شامل حرکت در جهت اجرای سند برنامه ملی در عصر حاضر؛ همسویی با پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی در عصر حاضر؛ افزایش مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش زبان دولتی و خصوصی؛ تسهیل اعزام دانشجویان به خارج بعد از پیروزی انقلاب جهت تحصیل علوم روز؛ تلاش برای شناساندن آیین اسلام به جهانیان؛ صدور انقلاب اسلامی؛ ایجاد وحدت در جهان اسلام؛ راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی خارجی زبان در صدا و سیما در دوران بعد از انقلاب و تربیت نیرو برای آن؛ تحقق اهداف بلندمدت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طبق چشم‌انداز ۱۴۰۴؛ تحقق اهداف میان‌مدت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر امام خمینی؛ تحقق اهداف کوتاه‌مدت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ توجه به قدرت نرم؛ استفاده از فناوری‌های پیشرفته در عصر حاضر و تقویت و تربیت نیروی انسانی متخصص لازم برای انتشار روزنامه‌های خارجی زبان بعد از انقلاب اسلامی دانست.

ارتباط بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی با سیاست‌های آموزشی در ایران

دهند. در زمان مشروطه دولت نیز به مدرسه‌سازی روی آورد و حتی در سال ۱۲۹۰ تعلیمات ابتدایی را برای تمام ایرانیان اجباری کرد. زبان فرانسه هم در مدارس در کنار بقیه دروس تدریس می‌شد. در زمان پهلوی هم بنابر سیاست‌های مدرن‌سازی رضاشاه، روند اعزام دانشجویان به خارج تشدید شد. در سال ۱۳۰۷ بر اساس قانونی که در مجلس مصوب گشت، مقرر شد که تا ۶ سال و هر سال حدود ۱۰۰ نفر دانشجویان با هزینه دولت روانه اروپا شوند تا به یادگیری فنون و علوم جدید بپردازند (۲۲). این دانشجویان به کشورهایی مثل آلمان، بریتانیا، سوئیس و فرانسه اعزام شدند. ناگفته پیداست که بازگشت این دانشجویان که عمدتاً در فرانسه دانش‌آموخته بودند، موجب شد که در زمان پهلوی اول، زبان فرانسه رایج‌ترین زبان اروپایی در ایران باشد و تنها در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زبان انگلیسی توانست جایگزین زبان فرانسه شود. سیاست ساخت‌وساز مراکز آموزش عالی جدید که از روزگار قاجار و با بنیان نهاده شدن دارالفنون توسط امیرکبیر آغاز شده بود در روزگار پهلوی با شتابی دوچندان پی گرفته شد. این دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با الهام گرفتن از دانشگاه‌های خارجی ساخته شدند. حضور گسترده استادان، دانشجویان و پژوهشگران امریکایی در ایران و تحصیل، تدریس و تحقیق آن‌ها در دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی ایران، امکان ارتباط گسترده‌تر، میان ایرانیان و غربیان را فراهم آورد که خود باعث رونق زبان‌های خارجی شد. در روزگاری که محمدرضا پهلوی بر اریکه سلطنت تکیه زد، مؤسسات و انجمن‌های فرهنگی متعددی در ایران شروع به کار کردند که باعث رونق بیشتر زبان‌های خارجی در بین مردم شدند (۲۲).

در سال‌های نخست بعد از انقلاب اسلامی نیز ایران به دلیل شرایط انقلابی حاکم و تقابل ایدئولوژیک رهبران انقلاب با دنیای دوقطبی آن روزگار از شتاب زبان‌آموزی تا اندازه‌ای کاسته شد و در سال‌های نخست تشکیل جمهوری اسلامی با مؤسسات و انتشارات خارجی مخالفت‌هایی چندنی نیز شد؛ ولی آنچه روشن است هنوز چندصباحی از استقرار جمهوری اسلامی نگذشته بود که روند پیشین در عرصه آموزش زبان‌های خارجی از سر گرفته شد و حتی در مقاطع دبیرستان و راهنمایی تدریس زبان انگلیسی در زمره برنامه‌های اصلی آموزش قرار گرفت. همچنین شمار دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، گسترش روزافزون یافت و روند عزیمت دانشجویان به خارج و توسعه مراکز آموزش زبان دولتی، خصوصی و حتی خارجی ادامه پیدا کرد. رهسپار شدن ایرانیانی که با هدف علم‌آموزی و دانش‌اندوزی به خارج از کشور می‌رفتند، در دوران بعد از انقلاب اسلامی نه تنها متوقف نشد؛ بلکه مانند روزگار پهلوی ادامه یافت و حتی در سال‌های اخیر شتابی افزون پیدا کرد (۲۳).

با وقوع انقلاب اسلامی، فلسفه و هدف‌گذاری آموزش زبان خارجی تغییر کرده است. پس از انقلاب اسلامی و ظهور اندیشه‌های حضرت امام در بطن انقلاب، اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت سیاست خارجی ایران تغییر کرد و قطعاً متناسب با آن‌ها و برای دستیابی به این اهداف رفیع، فلسفه و هدف‌گذاری نظام

نوشتن، با به کارگیری زبان فارسی از زبان خارجی سخن می‌گوید؛ موضوعی که سبب شده تا زبان‌آموزان بیش از پیش از محیط آموزش زبان فاصله بگیرند و کوچکترین ارتباطی با جامعه زبان خارجی نتوانند برقرار سازند (۲۷). از این رو باید طرحی نو ارائه کرد که متناسب با نیازهای جامعه و جایگاهی باشد که شایسته است زبان و ادبیات خارجی در ایران از آن برخوردار باشد.

یکی دیگر از اساسی‌ترین و مهم‌ترین فلسفه آموزش زبان خارجی در مکاتب آموزشی، تربیتی مختلف در سراسر گیتی، گسترش فرهنگ و زبان است. یعنی سیاست‌گذاران تربیتی با قرار دادن برنامه آموزش زبان خارجی در برنامه‌های آموزشی و نظام تربیتی کشور، سعی بر آن دارند که فرهنگ و آیین و زبان بومی خود را به سایر کشورها انتقال و گسترش داده و ضمن آن به فرهنگ و آیین و آداب و رسوم سایر ملل نیز آشنا شوند. این دیدگاه فلسفی به آموزش زبان خارجی در نظام‌های تربیتی برای اولین بار در دوران یونانی ماب و توسط اسکندر صورت گرفت که تحت تعلیم ارسطو بود. سیاست‌گذاری‌های کلی دست‌اندرکاران آموزش زبان‌های خارجی در هر کشوری که خود متأثر از عوامل و عناصر فرهنگی و اجتماعی آن جامعه است، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حوزه آموزش زبان است؛ چراکه آموزش زبان به معنای انتقال فرهنگ و تمدن یک جامعه، تأثیر بسزایی بر روح و روان فراگیران و کاربران آن زبان خواهد داشت؛ لذا در این حیطه، تبیین دقیق چهار عنصر مذکور برای ارائه برنامه‌های زبانی، امری ضروری به شمار می‌آید (۲۸).

در نظام آموزشی ایران نیز به دلیل وجود روند سلسله‌مراتبی در سیاست‌های کلان آموزشی و لزوم پیروی معلم زبان‌های خارجی از اصول تجویزی، محتوای ثابت و از پیش تعیین شده، فضای استفاده معلمان از نظریه‌ها، خلاقیت‌ها و ابتکارهای خود در امر آموزش وجود ندارد و در نتیجه، ملاحظات و نیازهای ویژه هر بافت آموزشی که تنها با دادن آزادی عمل به معلم تحقق پیدا می‌کند، نادیده گرفته می‌شود. این تنگناها و نبود انعطاف در همه زمینه‌های آموزش زبان، از قبیل شیوه آموزش، محتوای آموزشی، ارزشیابی و امتحان وجود دارند. براین اساس، در قلمرو آموزش زبان‌های خارجی نیز سیاست‌گذاران کلان آموزشی، طراحان برنامه‌های آموزشی، مؤلفان کتاب‌های درسی، معلمان و متولیان آموزش زبان لازم است ضمن تعمیق میزان آگاهی و دانش خود از مبانی فلسفه آموزش و پرورش عمومی و ماهیت ارتباط آن با آموزش زبان خارجی، به بررسی و مطالعه بیشتر این موضوع هم از دیدگاه نظری و هم در عمل مبادرت ورزند. به سخن دیگر، تحقق آرمان‌های فلسفه آموزش و پرورش در عمل، منوط به آگاهی و در گام بعد، عملیاتی کردن آن آرمان‌ها و اصول است (۱۱).

طبق سند برنامه ملی جمهوری اسلامی ایران، فلسفه آموزش زبان خارجی در آموزش و پرورش عمومی^۶ کشور، ایجاد توانایی برقراری ارتباط با سایر جوامع و بهره‌گیری از دستاوردهای بشری در سطح جهانی است. آموزش زبان‌های خارجی بستر مناسبی را

بنیاد فلسفه آموزش زبان مشتمل بر رویکردهای متنوعی است که هر یک با توجه به محوریت خود منشاء شیوه‌ها و راهبردهای مختلفی در سطح اجرا بوده است و ابزارها و امکانات خاصی می‌طلبند. این رویکرد متأثر نگاه خاص سیاست‌گذاران این حوزه به فرهنگ و زبان خارجی و نیز ایدئولوژی حاکم بر نظام آموزشی است و هدف خود را بر پرورش فکری و انتقال دیدگاه و نگرش مورد نظر در برنامه درسی به زبان‌آموزان قرار می‌دهد. همچنین شناخت دقیق فرهنگ خودی و نهادینه کردن آن در جامعه و برخورد فعال و معقول با فرهنگ زبان خارجی می‌تواند زمینه‌ساز تحولی بنیادین در حوزه آموزش زبان‌های خارجی در کشورمان باشد. این رویکرد استفاده از روش دستور-ترجمه را اقتضا می‌کند و با کمترین امکانات، اهداف این رویکرد، یعنی فهم متون از طریق فراگیری دستور و ترجمه برآورده می‌شود. لازم به ذکر است که در این رویکرد، ادبیات بر زبان مقدم شده است. بنابراین بین آموزش در همه سطوح و رشته‌ها از یک سو و فلسفه آموزش و پرورش از سویی دیگر، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. اهمیت نقش تعیین‌کننده فلسفه آموزش و پرورش در فرایند یاددهی-یادگیری و آگاهی از این موضوع در راستای نهادینه کردن اصول آموزش و به دنبال آن، ایجاد دگرگونی در نظام آموزشی و در سطح کلان در جامعه، امری است که همواره مورد تأکید صاحب‌نظران، پژوهشگران و کنشگران گستره آموزش و پرورش بوده است (۲۵ و ۲۶).

بی‌شک هر نوع برنامه‌ریزی زبانی، مستلزم سیاست‌گذاری است و هر سیاست زبانی در صورتی قابل اجرا می‌باشد که مبتنی بر فرهنگ جامعه باشد. فرهنگ هر جامعه به طور طبیعی تعیین‌کننده نوع سیاست‌هاست و برنامه‌ریزی زبان به این مفهوم با فرهنگ زبانی مرتبط می‌شود؛ به عبارت دیگر، برنامه‌های زبانی به دو تعبیر، فرهنگ بنیادین و فرهنگ جامعه زبانی در تعیین سمت و سوی آن‌ها مؤثر است و نیز تعیین سمت و سوی برنامه‌ریزی زبان بدون توجه به فرهنگ جامعه به طور کلی و فرهنگ زبانی به طور خاص، به شکست برنامه‌ها منجر خواهد شد. تبیین فلسفه آموزش یک زبان خارجی، بعدی اساسی در تبیین سیاست‌های کلی آموزش آن زبان در بین‌گوشوران آن جامعه به شمار می‌آید که تفکر و خط مشی سیاست‌گذاران حوزه آموزش زبان را در نظام آموزشی آن کشور نشان می‌دهد. این رویکرد و اهداف، آموزش آن زبان خارجی را جهت می‌دهد و تحلیل و طراحی زیرساخت‌ها و تدوین سیاست‌گذاری‌های کلی در این حوزه مبتنی بر آن است. با نگاهی به تأسیس آموزش زبان خارجی در ایران (حداقل بعد از انقلاب اسلامی) به خوبی روشن است که فلسفه یادگیری زبان خارجی در ایران، بیش از آن‌که جنبه زبانی و کاربردی داشته باشد، جنبه درک و فهم متون، دروس و... اساس و پایه برنامه‌ریزی‌های کلی قرار گرفته است؛ لذا برون‌داد زبان و هم‌اندیشی با جامعه خارجی و یا حتی غور در مباحث خارجی نیز در این رویکرد محلی ندارد. در این گونه نگاه به آموزش زبان خارجی، ادبیات خارجی قبل از زبان خارجی در دستور کار قرار گرفته است و مدرسان زبان‌های خارجی به جای صحبت کردن و

2. public Education

سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های موجود را ببوشانند. طبق نظر کارشناسان این حوزه از نبود یک اتاق فکر واحد رنج می‌برد.

❖ چالش مهم بعدی نامناسب بودن کتاب‌ها و متریا‌های آموزشی است. کتاب درسی، که یکی از مهم‌ترین مراجع و منابع یادگیری دانش‌آموزان در نظام‌های آموزشی محسوب می‌شود، در نظام آموزشی کشور ما نیز نقش مهمی دارد؛ اما از نظر منابع غنی و محتوایی کتاب‌های درسی از وضعیت خوبی برخوردار نبوده ولی با تذکرات اهالی کتاب، آموزش و پرورش در حال تلاش است تا محتوای درونی آن‌ها را بهبود بخشد. تأثیری که کتب و متریا‌های آموزشی بر امر یادگیری زبان دارند، بر کسی پوشیده نیست. ولی طبق نظر صاحب‌نظران در کشور ما در این زمینه ضعف وجود دارد.

❖ چالش بعدی عدم تبحر معلمان در آموزش و پرورش است. اساسی‌ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق هدف‌های آموزشی، معلم است. اوست که می‌تواند حتی نقص کتاب‌های درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس، بهترین موقعیت و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد ارتباط عاطفی مطلوب به محیطی غیرفعال و غیرجذاب تبدیل کند. در فرایند تدریس، تنها تجارب و دیدگاه‌های علمی معلم نیست که مؤثر واقع می‌شود؛ بلکه کل شخصیت اوست که در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگرد تأثیر می‌گذارد. با وجود اهمیت این موضوع معلمان زبان آموزش و پرورش از نظر صاحب‌نظران تبحر لازم را ندارند.

❖ چالش دیگر که مرتبط با محیط آموزشی زبان‌های خارجی است، این است که دانش‌آموزان ایرانی در معرض زبان خارجی نیستند. موقعیت و محیط یادگیری از عوامل بسیار مؤثر در یادگیری است. محیط مانند نور، هوا، تجهیزات و امکانات آموزشی. طبیعی است هر چه امکانات آموزشی، کتابخانه و منابع مختلف علمی مناسب‌تر و بیشتر باشد، یادگیری شاگردان در مقایسه با یادگیری شاگردان مدرسه‌ای که دارای فضای مناسب نیست و در آن جزء کتاب درسی منابع دیگری یافت نمی‌شود، بسیار متفاوت خواهد بود.

❖ چالش مهم بعدی که باید خاطر نشان کرد، فقدان سیستم ارزشیابی معلم‌ها در آموزش و پرورش است. ارزشیابی عملکرد از مهم‌ترین ارکان هر سازمانی است و سازمان‌های آموزشی نیز از این امر مستثنی نیستند. از میان اجزای مختلف نظام آموزشی، به گفته بسیاری از محققان، مهم‌ترین عامل در تعیین موفقیت یا عدم موفقیت دانش‌آموزان، معلم است. بنابراین معلمان کانون یا مرکز ثقل تلاش‌هایی هستند که برای توسعه و اصلاح سیستم‌های آموزشی در سراسر دنیا صورت می‌گیرد. با توجه به این نکته و نیز اهمیت معلمان در بهره‌وری نظام‌های آموزشی لازم است سیستم‌های آموزشی اطمینان حاصل کنند که معلمان نهایت تلاش‌شان را برای افزایش یادگیری دانش‌آموزان صورت می‌دهند و نیز باید تلاش کنند تا با شناخت بهتر نقاط ضعف عملکرد معلمان، زمینه را برای رشد حرفه‌ای آن‌ها فراهم سازند. مرور ادبیات مربوط نشان می‌دهد که پیشرفت‌های زیادی در حوزه‌های نظری و عملی

برای درک، دریافت و تعاملات فرهنگی و انتقال دستاوردهای دانش بشری در قالب‌های متنوع زبانی به صورت شفاهی، دیداری و نوشتاری برای مقاصد و مخاطبان گوناگون فراهم می‌کند. کشور ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با الزامات جدیدی برای یادگیری زبان خارجی مواجه شد که البته در اسناد فرادستی و سیاست‌گذاری‌های دولتمردان توجهی به آن‌ها نشده است. یکی از این الزامات بحث صدور انقلاب است که بدون توانایی به صحبت کردن به زبان کشورهای هدف امکان‌پذیر نیست. الزام دیگر بحث قدرت نرم است که در این دوره استفاده از آن به دلیل مشروعیت کم و هزینه زیاد و ناکامی‌های کارکردی قدرت سخت بسیار توصیه می‌شود. مورد بعدی هم اجرای اهداف سیاست خارجی کشور ایران است. شکی نیست که هیچکدام از این الزام‌ها بدون یادگیری و آموزش زبان خارجی محقق نمی‌شوند. در نتیجه در جهان امروزی ضروری است به صورت اساسی به فلسفه آموزش زبان خارجی پرداخته شود؛ البته به نحوی که با تمام منافع سیاسی و اقتصادی‌اش تهدیدی برای هویت و فرهنگ ملی کشور ایران تلقی نشود (۲۹).

چالش‌های بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی مرتبط با سیاست‌های آموزشی چالش در واقع مسأله و موضوعی است که باید راه چاره‌ای برای آن اندیشید. آموزش زبان خارجی هم در کشور ایران همواره با چالش‌هایی روبه‌روست که مرتبط با سیاست‌های آموزشی است. کارشناسان این عرصه به چند مورد از آن‌ها اشاره کرده‌اند (۱، ۲۰، ۲۴ و ۳۰):

❖ از جمله چالش‌های مرتبط با بنیاد فلسفه آموزش زبان‌های خارجی در ایران که می‌توان از آن نام برد، این است که در اسناد بالادستی مثل سند تحول بنیادین و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افر ۱۴۰۴، متأسفانه تأکید کمی به آموزش زبان خارجی شده است. سند تحول بنیادین از مهم‌ترین اسنادی که می‌تواند به‌عنوان قطب‌نمای آموزش زبان خارجی در نظام آموزش رسمی کشور عمل نماید. ولی با این حال باز هم تأکید زیادی به این امر در آن نشده است. فقط به‌صورت ضمنی اشاراتی صورت گرفته است. اشارات واژگانی به زبان، فرهنگ، تعامل، انتشار، مقیاس منطقه‌ای و سطح جهانی، دسترسی به دستاوردهای علمی و تجربیات بشری، که هر یک در بخش‌هایی از سند، در قالب عبارات مفهومی و جهت‌دهنده به کار رفته است، می‌تواند چارچوبی قابل استناد و راهنمایی‌ا‌عتناپذیر برای تنظیم برنامه‌های اجرایی آموزش و تقویت زبان خارجی باشد (۳۱).

❖ چالش بعدی را می‌توان نبود اتاق فکر واحد برای سیاست‌گذاران حوزه آموزش زبان خارجی عنوان کرد. از آن‌جا که مدیران قادر به درک و تجزیه و تحلیل همه مسائ‌ل، موقعیت‌ها و فرصت‌ها نیستند و نیاز به افراد خبیره و صاحب‌ایده در زمینه‌های مختلف سازمان حس می‌شود. همیشه نیاز به یک اتاق فکر واحد باوجود افراد زبده و خبیره برای خلق افکار و ایده‌های نو حس می‌شود. این اتاق‌ها می‌توانند با پیوند قدرت و دانش، ضعف

خارجی جمهوری اسلامی ایران که در گفتمان حضرت امام ملحوظ است، به زبان خارجی مربوط می‌باشد؛ بنابراین تسلط و فراگیری زبان خارجی به آن کمک شایانی می‌کند. برای رسیدن به این تسلط باید موارد ذیل را در نظر داشت:

- حفظ موجودیت و پاسداری از کیان اسلام ناب که قطعاً در پشت درهای بسته و فقط در داخل کشور قابل اجرا نیست و باید فراتر از مرزها عمل کرد و ابزار آن نیز زبان خارجی است.
- ایجاد جامعه واحد جهانی اسلامی که پر واضح است رسیدن به این هدف جز با تسلط علماء، مسئولین و دست‌اندرکاران به زبان‌های خارجی محال است.

- اتحاد و وحدت اسلامی که با تعامل سازنده با سایر کشورها و سایر مذاهب اسلامی امکان‌پذیر است و دروازه ورود به این حوزه قطعاً تسلط و آشنایی با حداقل یک زبان خارجی است.

- صدور انقلاب اسلامی که بدون مشارکت همهٔ آحاد مردم انقلابی، مسئولین و دست‌اندرکاران امری غیرممکن است. هر ایرانی که به هر دلیل به خارج از کشور سفر می‌کند از تفریح گرفته تا تجارت و مأموریت، می‌تواند یک سفیر فرهنگی و دینی برای کشور و مذهبمان باشد و به معرفی هر چه بیشتر و بهتر آن‌ها به سایر مردم جهان پردازد. موازین، شعار و پیام انقلاب باید توسط سفارتخانه‌های ایران، مراکز فرهنگی جمهوری اسلامی در سایر کشورها و مبلغین دینی اعزامی به سایر کشورها صورت گیرد که فائدتاً باید همگی به زبان‌های خارجی مسلط باشند.

- کسب و افزایش قدرت ملی با تقویت حوزه‌های صنعت، صادرات، واردات تکنولوژی‌ها جدید و امثالهم امکان‌پذیر است که رشد در این حوزه‌ها قطعاً با بهره‌گیری از ابزار زبان خارجی راحت‌تر خواهد بود.

- و در نهایت توسعه و رفاه اقتصادی که از جمله اهداف کوتاه مدت نظام از منظر امام خمینی است، در شرایطی محقق می‌گردد که کشورهای خارجی در پروژه‌های مختلف این سرزمین سرمایه‌گذاری کرده و ارزآوری کنند. همچنین برداشته شدن تحریم‌های ظالمانه علیه ایران، بزرگترین دغدغهٔ دولت، بازگشت سرمایه‌گذاران بزرگ صنعتی و نفتی به ایران و جذب سرمایه‌گذاران اقتصادی جدید است (۳۰).

با در نظر گرفتن این مسائل جای تأمل دارد که چگونه امکان دارد که بدون بهره‌مندی از ابزار قدرتمند تعامل و ارتباط با جهان که همان زبان‌های بین‌المللی است به این هدف رسید؟

با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر می‌توان دریافت که در دوره‌های مختلف تاریخی کشورمان همواره بسته به شرایط زمانه، بنیاد فلسفهٔ آموزش زبان‌های خارجی، تغییر داشته است. ماهیت اعتقادی و مردمی انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از سویی باعث شد تا دشمنی قدرت‌های حاکم جهانی برانگیخته شود و از سوی دیگر، ایران اسلامی را به کانون الهام‌بخش و بیداری ملت‌ها به ویژه مسلمان‌ها تبدیل کرد. بر این اساس رهبری انقلاب اسلامی؛ از آغازین روزهای پیروزی انقلاب برای انتقال آموزه‌ها و تجربیات خویش به دیگر جوامع احساس وظیفه کرد و با طرح اندیشهٔ صدور انقلاب درصدد پاسخگویی به این نیاز دوسویه

ارزشیابی معلمان صورت گرفته است. ارزشیابی باید فرصت‌هایی را برای معلمان ایجاد کند تا تکنیک‌های جدیدی را یاد بگیرند و همچنین بازخورد مناسبی از نیازهای کلاس را به آن‌ها بدهد. به عبارت دیگر، ارزشیابی معلمان باید فرصت‌هایی را برای معلمان ایجاد کند تا حرفه‌ای‌تر شوند و تدریس کارآمدتری داشته باشند. با وجود اهمیت این موضوع کارشناسان معتقدند که فقدان سیستم ارزشیابی معلم‌ها در آموزش و پرورش احساس می‌شود.

❖ چالش مهم بعدی فقدان سیاست و سند مدون در حوزهٔ آموزش زبان‌های خارجی و کوتاهی دست‌اندرکاران و متولیان در این حوزه است.

استلزامات جدید بنیاد فلسفهٔ آموزش زبان‌های خارجی مرتبط با سیاست‌های آموزشی

منظور از استلزامات در حوزهٔ آموزش زبان‌های خارجی، باید و نیابدهایی است که نیاز به ایجاد هماهنگی آن‌ها با سیاست‌های آموزشی است. کارشناسان این حوزه، اشاراتی به استلزامات جدید حوزهٔ آموزش زبان خارجی داشتند (۲، ۹، ۲۴).

- تعیین استانداردهای مشخصی برای آموزش زبان‌های خارجی
- توجه به امکانات و رسانه‌های جدید در حوزهٔ آموزش زبان‌های خارجی

- بالا بردن سطح علمی معلمان زبان
- ایجاد سیستم ارزیابی و تضمین کیفی در حوزهٔ آموزش زبان خارجی

- واگذاری آموزش زبان خارجی به بخش خصوصی
- گنجاندن رشتهٔ خاص آموزش زبان خارجی در دبیرستان
- استفاده از روش‌های تدریس نیازمحور در حوزهٔ آموزش زبان خارجی

- آموزش گروهی زبان خارجی
- اجتناب از اقتصادی و منبع درآمد کردن آموزش زبان خارجی

نتیجه‌گیری

این پژوهش با اتکاء به روش کتابخانه‌ای- اسنادی و با استناد به اصول و مبانی فلسفهٔ آموزش و پرورش به واکاوی ارتباط بنیاد فلسفهٔ آموزش زبان‌های خارجی با سیاست‌های آموزشی ایران پرداخته است و با فراهم نمودن بستری محتوایی، زمینه تعمیق بحث پیرامون سطح، بُعد و عمق اهمیت پرداختن به زبان خارجی در آموزش رسمی کشور را فراهم آورد است. نتیجهٔ این مطالعه نشان داد که ظهور بهینه‌گزینه‌ها و تحولات خرد و کلان سیاست‌ها آموزشی در قلمروی آموزش زبان‌های خارجی بسان دیگر حوزه‌های علوم بی‌تردید ریشه در مبانی فلسفی دارند. در خصوص فلسفهٔ آموزش زبان خارجی در ایران نیز می‌توان گفت که جهت نیل به اهداف بنیانگذار انقلاب اسلامی که از ابتدا برای آن تحول بزرگ از سوی ایشان مشخص شده است، امری است ضروری و کمک قابل ملاحظه‌ای در رسیدن به اهداف انقلاب می‌کند. مشخصاً اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت سیاست

در مورد اهداف بلندمدت، میانمدت و کوتاهمدت سیاست خارجی جمهوری اسلامی هم همانطور که اشاره شد، طبق سند چشم انداز ۱۴۰۴، اهداف بلندمدت سیاست خارجی شامل ایجاد جامعه واحد جهانی، اتحاد و وحدت اسلامی، حفظ موجودیت و پاسداری از کیان اسلام می‌شوند. اهداف میانمدت سیاست خارجی عبارتند از کسب اعتبار بین‌المللی و افزایش قدرت ملی کشور. اهداف کوتاه مدت سیاست خارجی جمهوری اسلامی شامل حفظ امنیت ملی و موجودیت کشور و توسعه و رفاه اقتصادی کشور می‌شوند. کاملاً مشخص است که محقق کردن این اهداف بدون دانستن زبان‌های خارجی امکان‌پذیر نیست. این موضوع خود از مهمترین فلسفه‌های آموزش زبان خارجی در کشور است.

مورد دیگری که می‌توان از آن به عنوان چرایی گرایش به زبان‌های خارجی نام برد توجه به قدرت نرم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران به عبارتی جنس قدرت نرم از نوع اقناع و در قدرت سخت از مقوله وادار و اجبار کردن می‌باشد. همچنین به آن دسته قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به کارگیری از ابزاری چون فرهنگ، آرمان و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. در مورد فناوری‌های پیشرفته جهانی هم که روزبه‌روز در حال پیشرفت هستند، باید گفت که در عصر جاری نمی‌توان این فناوری‌های جهانی را نادیده گرفت. برای همگام شدن و آشنا شدن با آن‌ها باید زبان کشور تولیدکننده آن‌ها را دانست.

همچنین در این پژوهش به مهم‌ترین چالش‌های پیش روی آموزش زبان‌های خارجی پرداخته شد. دانستن چالش‌های پیش روی این حوزه، کمک زیادی به موفقیت در این حوزه می‌کند. البته به شرطی که سعی مسئولین بر آن باشد که این چالش‌ها را به فرصت تبدیل کرده و فرصتها را هم تقویت کنند. همچنین در این پژوهش و به کمک کارشناسان به استلزامات جدید و کاربردی برای موفقیت در این حوزه پرداخته شد. بنابر آن‌چه در اثبات تحقیق حاضر گذشت می‌توان نتیجه گرفت که برای فراگیری زبان‌های خارجی به تبع آن، ایجاد تعاملی سازنده با سایر کشورها، تنها شناخت قواعد زبان و لایه‌های درون‌زبانی نمی‌تواند چنین امری را میسر کند و در هر نوع ارتباط با زبان‌های خارجی و تعامل با گویشوران آن زبان، نیازمند شناخت سطوح مختلف فرازبانی است که شامل سطوح فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و سایر لایه‌ها و پیش‌انگاره‌هایی است که گفتمان در آن اتفاق می‌افتد؛ سطوحی که نظام زبانی نمی‌تواند صحت و سقم آن‌ها را تأیید کند؛ بلکه این ارزش‌های فرازبانی است که می‌تواند آن ساختار یا ساختارهای زبانی را بر اساس موقعیت سخن تأیید یا رد نماید. در این راستا برای رسیدن به شناخت کافی از زبان و ارتباط آن با سیاست‌های آموزشی، بر لزوم توجه به دو مسئله بنیادی تأکید می‌شود:

- ❖ نخست) تبیین منطقی و معقول سیاست‌گذاری‌های کلان و فرازبانی
- ❖ دوم) برنامه‌ریزی‌هایی منسجم و علمی درون‌زبانی که زمینه‌ساز آموزش، تعلیم کاربردی و مبتنی بر بافت زبان گردد.

انقلاب و طرفداران فراملی آن برآمده است. واقعیت این است که اندیشه «صدور انقلاب» که می‌بایست به یک سیاست ضابطه‌مند تبدیل شود با نگرش‌های گوناگونی مواجه بود، ولی امام خمینی به عنوان واضع مکتب انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در مواضع خویش ضمن اعلام قطعی صدور انقلاب، ابعاد آن را نیز ترسیم کرد. در این مورد صدور انقلاب هم نقش دانستن زبان خارجی کاملاً مشهود است. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از آغاز دوره قاجار تا پایان سلسله پهلوی عواملی چون سیاست‌های مدرن‌سازی، شرایط نوین جهانی، رشد بیش از پیش ارتباطات جهانی، توسعه روزافزون دیپلماسی و تشکیل سفارتخانه‌های متعدد در جای جای جهان، توسعه عرصه بازرگانی و توسعه مراودات اقتصادی ایران با نقاط دیگر جهان اهمیت آموزش زبان‌های خارجی و چرایی گنجاندن آن در آموزش و پرورش کشور را نشان می‌دهند. قطعاً با وقوع انقلاب اسلامی، فلسفه و هدف گذاری آموزش زبان نیز بایستی تغییر می‌کرد که البته کرد. پس از انقلاب اسلامی و ظهور اندیشه‌های حضرت امام در بطن انقلاب، اهداف بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت سیاست خارجی ایران تغییر کرد و در نتیجه فلسفه آموزش زبان خارجی تغییر کرد (۳۲).

مسئله بعدی که باید خاطر نشان کرد، بحث صدور انقلاب است. برای این امر خطیر هم نیاز به یادگیری زبان است. توسعه روزافزون و سریع رسانه‌های ارتباط جمعی و بین‌المللی نیز ضرورت آموزش زبان‌های خارجی را نمایان می‌کند. آموزش و یادگیری سایر زبان‌ها یکی از راه‌های تعامل فعال در دنیای علم و معرفت و برقراری ارتباط فراگیر علمی با دیگر مراکز آموزش و پرورش معتبر خارج از کشور است. در چنین عصری گسترش و کارکرد زبان خارجی و تأثیرگذاری آن بر نظام‌های زبانی، فرهنگی، آموزشی و سیاسی به مباحث و جهت‌گیری‌های پر دامنه و تأمل‌برانگیز دامن زده است که خواه با نگاهی تأییدآمیز و خواه انتقادی به این رویداد واکنش نشان داده‌اند (۱۰).

از طرفی همچنان مشخص است صدا و سیما جمهوری اسلامی، بخش شبکه‌های برون مرزی دارد که برای کشورهای خارجی برنامه‌های متنوعی پخش می‌کنند. این حوزه سیاست‌های کلی را سرلوحه برنامه‌ها و تولیدات خود دارد که از آن جمله می‌توان به تبلیغ و معرفی دین و فرهنگ غنی اسلام به عنوان دین برتر، معرفی انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، انعکاس اخبار جهان اسلام و تلاش در جهت وحدت بین مسلمانان جهان، اشاره کرد. حوزه معاونت برون‌مرزی که شامل شبکه‌های بین‌المللی مهمی چون شبکه‌های خبری پرس تی وی، العالم، هیسپان تی وی، آی فیلم، شبکه سحر و الکوثر و بیش از ۳۰ رادیوی برون مرزی است، با توجه به پوشش مناطق وسیعی از قاره‌های مختلف جهان، از تنوع بسیاری در حوزه برنامه‌سازی برخوردار است؛ چراکه توجه به مقتضیات کشورهای تحت پوشش شبکه‌های برون‌مرزی، از الزامات فعالیت‌های این مجموعه است. شکی نیست فعالیت این شبکه‌ها و ساختن برنامه برای آن‌ها بدون دانستن زبان آن کشورها امکان‌پذیر نیست.

از این رو، مطالعه حاضر به عنوان اولین گام در تحقق این موضوع، بی‌تردید عاری از نقصان نخواهد بود و امید می‌رود مطالعات بیشتر در آینده بتوانند ابعاد جامع‌تری از مبحث مورد نظر را تشریح و تبیین کنند.

پیشنهادات کاربردی

باتوجه به نتایج و یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر و همچنین بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته مطابق با نظرات کارشناسان مربوطه، می‌توان پیشنهادات کاربردی زیر را ارائه نمود:

❖ مسئولین باید به فکر ایجاد یک اتاق فکر واحد باشند. در این اتاق فکر باید سیاست‌های واحدی برای حوزه گذاشته شود.

❖ مؤلفین کتاب‌های آموزشی مدارس باید کتاب‌ها را با تأکید بر مکالمه و گفتگو تألیف کنند.

❖ معلمان قبل از اینکه وارد حوزه تدریس شوند، مورد ارزیابی قرار بگیرند تا مشخص شود که آیا توانایی تدریس را دارند یا نه. از طرفی در خلال دوران خدمت هم دائماً معلمان مورد ارزیابی قرار گیرند تا مجبور شوند دائماً خود را به‌روز کنند.

❖ در تمام دنیا سن آموزش زبان خارجی از دوران ابتدایی است؛ ولی در کشور ما در دبیرستان دوره اول (کلاس هفتم) این آموزش شروع می‌شود. به نظر می‌رسد مسئولین باید تدبیری بیاندیشند تا سن شروع آموزش زبان را پایین‌تر بیاورند.

❖ با توجه با اینکه انگیزه معلمان، عوامل فرهنگی- اجتماعی، عوامل آموزشی و مشارکت زبان‌آموزان در بحث‌های گروهی نیز از عوامل مؤثر در یادگیری زبان‌های خارجی است، بنابراین باید شرایط لازم در جهت بهبود این عوامل صورت گیرد.

❖ با توجه به میزان مهارت دبیران و مدرسان زبان‌های خارجی در مدارس و آموزشگاه‌ها، توصیه می‌شود، شرایط لازم جهت استفاده بهتر از دانش آنان صورت گیرد. این وظیفه مهم بیشتر بر عهده مدیران و مسئولان این حوزه‌هاست است تا با نظارت بیشتر از توانمندی آنان نهایت استفاده را جهت آموزش زبان‌آموزان به عمل بیاورند.

❖ با توجه به نتایج این تحقیق که حاکی از آن است که محتوای برنامه درسی از عوامل مرتبط با یادگیری ضعیف یادگیری زبان است، به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی توصیه می‌شود، محتوای کتب زبان از جنبه‌های مختلف از قبیل میزان ساعات هفتگی، به روز بودن، تصاویر، سطح علمی، میزان توجه به مشارکت دانش‌آموزان، سیر و توالی عمودی و افقی، تنوع بودن تکالیف، طراحی از ساده به مشکل و توجه به مهارت‌های چهارگانه زبان مورد بازبینی قرار گیرد.

❖ مسلماً پر کردن شکاف میان تدریس و یادگیری یکی از مهم‌ترین اهداف هر نظام آموزشی است و یکی از بهترین مؤلفه‌هایی که می‌تواند در این امر راهگشا باشد تهیه و تدوین کتب درسی براساس سبک‌ها و راهکارهای غالب یادگیری زبان آموزان ایرانی می‌باشد. بی‌شک این امر باعث می‌شود تا سطح کیفی یادگیری در کلاس بالا رود و کلاس دیگر محیطی خسته‌کننده برای زبان‌آموز و معلم نباشد.

جامعه ایران که با تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و ایدئولوژیک با جوامع اروپایی روبروست و بی‌شک از سوی بی-نیاز از زبان خارجی نبوده و از سوی به واسطه تفاوت‌هایش با جوامع مرکز نسبت به مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی و ارزشی آن حساسیت دارد، دولت‌مردان باید دقت و حساسیت ویژه‌ای در تدوین سیاست‌های زبانی کشور داشته باشند. همچنین با بررسی اسناد فرادستی موجود (سند چشم‌انداز ۲۰ساله، سند برنامه‌ریزی ملی، سند جامع ملی کشور و سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت) و با وجود اهمیت این موضوع، برنامه و سیاست مشخص و مدونی در خصوص چگونگی بکارگیری این زبان که در عین بهره‌گیری از مزایای آن در پی کاهش و یا رفع تأثیرات فرهنگی و هویتی آن باشد وجود ندارد (۳۳).

بعد از انقلاب اسلامی الزامات جدیدی برای آموزش زبان خارجی مطرح شد که یکی بحث قدرت نرم است. در مطالعه و تحلیل قدرت، معمولاً قدرت سخت را از عناصر اصلی قدرت یک کشور در نظر می‌گیرند. به دلیل کاهش مشروعیت، هزینه‌های زیاد و ناکامی‌های کارکردی در به کارگیری قدرت سخت از کاربرد آن-ها کاسته شده و قدرت نرم جایگزین آن‌ها شده است. قدرت نرم در اصطلاح به معنای توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق اقناع و جذب دیگران به گونه‌ای آشکار اما نامحسوس است که برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع به کار گرفته می‌شود و با به کارگیری ابزارها و شیوه‌های غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر خواهد گذاشت شایان ذکر است که یکی از مهمترین منابع قدرت نرم، در اختیار داشتن یک زبان فراگیر و بین‌المللی است. الزام جدید دیگری که برای آموزش زبان خارجی بعد از انقلاب ایجاد شد و در واقع در اثر تغییر در اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت سیاست خارجی کشور به وجود آمد. قطعاً متناسب با آن‌ها و برای دستیابی به این اهداف رفیع، فلسفه و هدف‌گذاری نظام آموزشی عمومی کشور در خصوص آموزش زبان باید تغییر کند (۳۴). الزام دیگری که برای آموزش زبان خارجی در سال‌های اخیر باید خاطر نشان کرد، بحث گسترش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است که بعد از برجام می‌توان شاهد آن بود. در کل می‌توان گفت اهداف برجام هموار کردن سرمایه‌گذاری خارجی را در ایران بود. اینجاست که لزوم توجه به بحث آموزش زبان خارجی برای مذاکره و مکاتبه با سرمایه‌گذاران خارجی بیش از پیش احساس می‌شد (۳۴).

با وجود اشاره به موارد فوق‌الذکر می‌توان دریافت که آموزش زبان‌های خارجی در عصر حاضر امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ ولی موضوعی که باید خاطر نشان کرد ارتباط فلسفه آموزش زبان خارجی با سیاست‌های آموزشی است، چرا که آموزش زبان خارجی در واقع به منزله آشنایی زبان‌آموزان با سایر اندیشه‌ها و نظرات نیز می‌باشد که با مسأله نفوذ فرهنگی مواجه است. در نهایت باید یادآور شد که انجام این پژوهش همانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی روبه‌رو شد. اساسی‌ترین محدودیت بر سر راه این پژوهش، نبود پیشینه کافی در زمینه نقش و جایگاه فلسفه آموزش زبان‌های و سیاست‌های آموزشی مرتبط با آن بود.

6. Copleston, F. (1946). History of Philosophy. translated by seyed Jalaleddin Mostafavi, Tehran: Elmi & Farhangi Publication, Vol.1, Part 1-2.
7. Siddiq Alam, A. (1394). Memory of life (Yadegar Omar), Tehran: Book Publishing Company (Publishing Company). Volume 2.
8. Mujtahedi, K. (1391). Islamic and Western schools and universities in the Middle Ages, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
9. Geshmardi MR. (2010), Inclusive Theoretical Foundations in Foreign Language Teaching Methods, Quarterly Journal of Comparative Language and Literature Research, Volume 1, Number 2, Summer 2010, pp. 135-148.
10. Shams, M. And Shamsai, s. (1392). Foreign Language Policies and Its Relation to National Identity, Journal of National Studies, Volume 14, Number 3, pp. 51-75.
11. Yarmohammadi, Lutfullah. (2014), A Theory of Language Planning and Language Learning Issues in Iran, Tehran, Hermes Publications.
12. Javadi, Mohammad Jafar (2015), Comparative comparison of English language curricula in both formal and informal systems of the country in order to provide a model, Tehran: Office of Educational Technology.
13. Alavi Moghadam, Seyed Behnam. (2015), A Study of the Targets and Requirements of Foreign Language Teaching in Upstream Documents, Journal of Language Education Development No. 2, page 10.
14. Khairabadi, R. And Alavi Moghaddam, S.B. (1398), Opportunities and Challenges of English Language Teaching in the Formal Iranian Educational System, Linguistic Research in Foreign Languages, Volume 9, Number 1, April 1398, pp. 53-70.

پیشنهادات پژوهشی

باتوجه به گستره نظری موجود، یافته‌ها و محدودیت‌های حاضر، می‌توان پیشنهادات و جهت‌گیری‌های پژوهشی زیر را ارائه نمود که فراهم‌کننده زمینه‌های پژوهشی جدید نیز می‌باشند.

- ✓ بررسی وضعیت یادگیری زبان‌های خارجی و راه‌های ارتقاء کیفیت آن در آموزش و پرورش عمومی بعد از انقلاب اسلامی ایران
- ✓ مطالعه تنگناها و مشکلات زبان‌آموزان و عوامل مرتبط با آن در دوران قبل و بعد از انقلاب
- ✓ مطالعه عوامل ناکارآمدی آموزش و پرورش در آموزش زبان‌های خارجی
- ✓ بررسی نقش فرهنگ در سیاست‌گذاری‌های برنامه‌ریزی آموزش زبان‌های خارجی

References

1. Dehmardi M, Nemati Limai, A. (2016), The Linguistic Status and Historical Course of the Evolution of Foreign Languages in Iran, Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, Volume 9, Number 1, Winter 2016, pp. 97-75.
2. Waezi, M. (2016). Teaching English Necessity and Development, Resalat Newspaper, No. 554.
3. Sadeghzadeh, A. (2011), Theoretical Foundations of the Fundamental Transformation in the Formal Public Education System of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution, Secretariat of the Higher Education Council and the Ministry of Education.
4. Bagheri is a typist, Kh. (2014), Research Approaches and Methods in Philosophy of Education, Research Institute for Cultural and Social Studies.
5. Website of the Ministry of Education, page of the Deputy of Education and Culture, interviews of the Deputy of Education and Culture of the Ministry of Education (on 12/21/2012) and the General Administration of the province (on 09/12/2012), can be retrieved on the site: <http://pt.medu.ir>.

26. Shabani Varki, Bakhtiar and Mohammadi Chabaki, Reza (1387). History of Philosophy of Education in Iran, Quarterly Journal of Education, Twenty-fourth year, No. 4, pp. 17-50.
27. Iman, M. And Noshadi, m. (2011), Analysis of metaphorical qualitative content and language learning opportunities, Applied Linguistics of Kharazmi University, No. 1.
28. Kardan, A. (2012), The course of educational views in the West. Side Publications.
29. Hassani, Mohammad (1389). Critique of targeting the National Curriculum Document of the Islamic Republic of Iran. Iranian Curriculum Studies Quarterly.
30. Anabi Sarab, M.R. (1394). Foreign Language Curriculum Guide for Secondary School: Opportunities and Challenges in Program Production and Implementation, Educational Innovations, Volume 9, Number 35, pp. 172-199.
31. Rustam Beyk, A. And Ramezani, A. (2012), The Role of Culture in Foreign Language Teaching, Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs, Volume 12, Number 10, pp. 15-34.
32. Shekari, Abbas and Mazdaei, Khodadad (2015). An Analysis of the Theoretical Foundations of the Critical Thinking Curriculum from the Perspective of Late Educational Philosophers. The first conference of the Iranian Philosophy of Education Association. May 20, Tarbiat Modares, Iran.
33. Universal, c. (2012), Theoretical Challenges of Current Education and Education (Research-Based), Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University, Vol. 22, No. 4, Winter, consecutive 45, Journal of Educational Sciences.
34. Samadi, M. And Mazidi, m. (2015), Investigating the Possibility of Approximation of the Findings of the
15. Buckham, I. (2013). The importance of languages in the curriculum. 12 pages
16. Wong, S. (2013). why foreign language learning is still important .9pages.
17. Yashima, T., Zenuk-Nishide, L. & Shimizu, K. (2014). The influence of attitudes and effect on willingness to communicate and second language communication. Language Learning. 54 (1), 119-152.
18. Masgoret, A. & Gardner, R. (2017). Attitudes, motivation and second language learning: a Meta-analysis of studies conducted by Gardner and Associates. Language Learning. 53 (1), 123-164.
19. Ortiz, A. (2017). English language learners with special needs: Effective instructional strategies. Bilingual Education and Bilingualism, 61, 281.
20. Haqqani, Nader. (1390). Virtual language teaching, Tehran: Amirkabir Publishing Institute.
21. Sadeghzadeh, A. (2011), Theoretical Foundations of the Fundamental Transformation in the Formal Public Education System of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution, Secretariat of the Higher Education Council and the Ministry of Education.
22. Moradi Jad, H. And Shariati Pejum, p. (2011), a study on sending students abroad during the Qajar and Pahlavi periods. Sociological Studies, No. 4, pp. 90-115.
23. Hazari, (2013), The process of sending students to Iran, Tehran, Samat Publications.
24. Alavi Moghaddam, b. And Khairabadi, R. (2012), A Critical Review of the National Curriculum in the Field of Foreign Language Teaching, Curriculum Studies, Volume 7, Number 25, pp. 27-44.
25. Shariatmadari, Ali. (1383). Principles of Education, 17th edition, University of Tehran Press.

Schools of Logical and Pragmatism on the role of teacher and learner in the teaching-learning process and its effects on education, *Journal of Psychology and Educational Sciences*, Vol. 35, No. 1.